



نگاهی به نوع و میزان حضور پرچم ایران در سینمای ایران و مقایسه آن با نمونه‌های جهانی

پرچم بازبگر غایب

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4685 | SUN.AUG.16, 2026 | ISSN:2008-2886

| ۱۹۱ سال و ۳۴۹ روز گذشت |

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



صفحه ۲

فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح:

۳ خلبان ایرانی در اسارت قطر هستند

یکشنبه | ۲۵ مرداد ۱۴۰۵ | ۳ ربيع الاول ۱۴۴۸ | ۱۶ آگوست ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۶۸۵ | ۴ صفحه | ۲۰ هزار تومان

تیتیر های امر وز



گزارش «وطن امروز» از واکنش تمسخرآمیز آمریکایی‌ها نسبت به اظهارات رئیس‌جمهور این کشور درباره تنگه هرمز

روانگردان ترامپ

■ کاخ سفید: سخنان ترامپ درباره تنگه هرمز را جدی نگیرید

صفحه ۲

نتایج نظرسنجی‌ها حاکی از شرایط سخت نخست‌وزیر در انتخابات آتی رژیم صهیونیستی است

نتانیاهو در

سراشیبی سقوط

صفحه ۲

بررسی روان‌شناختی رفتار ترامپ پس از شکست آمریکادر جنگ علیه ایران

فرار دلقک از واقعیت

نگاه
حنیف غفاری

وزیر انرژی آمریکا در دولت اوباما، به نکات قابل تاملی در خصوص جنگ رمضان و ابعاد شکست کاخ سفید در آن اشاره کرده است. ارنست مونیز در این خصوص می‌گوید: «تصمیم دونالد ترامپ برای راه انداختن جنگ تمام‌عیار علیه ایران، اشتباهی بزرگ بود.

این جنگ، آمریکا را در بن‌بستی قرار داده که فرار از آن دشوار است. ترامپ با آغاز جنگ تمام‌عیار، آمریکا را در بن‌بستی راهبردی گرفتار کرد». اظهارات اخیر مونیز و دیگر سیاستمداران و استراتژیست‌های آمریکایی مبنی بر شکست مطلق رئیس دولت تروریست آمریکا در میدان جنگ علیه ایران، تاییدکننده یک واقعیت است: شکست‌ناپذیر شدن جنگ. این همان گزاره و واقعیتی است که ترامپ در برابر پذیرش آن مقاومت می‌کند. توصیف رویکرد وی در چارچوب «روانشناسی شکست» می‌تواند تا حدودی بیانگر چرایی مقاومت شیطان مستقر در کاخ سفید در برابر پذیرش این حقیقت باشد.

همواره در تاریخ روابط بین‌الملل، با موجوداتی انسان‌نما مواجه می‌شویم که نیت‌شان از ابتدا، ساختن نبوده؛ آنها آدهندگان برای ویرانی، نسل‌کشی، دیگران را به فرسودگی و استثمار کشاندن و از رنج انسان‌های روی کره زمین تغذیه کردن. یکی از مصداق عینی این موجودات، رئیس‌جمهور جنایت‌پیشه کنونی آمریکاست. ترامپ جهان را صحنه‌ای برای پیشبرد امپال ویرانگر خود می‌بیند؛ اما هر شراتی، هر قدر هم گسترده، روزی با دیوار واقعیت روبه‌رو می‌شود و آنگاه که این مواجهه اجتناب‌ناپذیر به شکستی سهمگین و برگشت‌ناپذیر بینجامد، دیگر مساله اصلی، خود شکست نخواهد بود، بلکه ناتوانی در پذیرش آن است. این همان نقطه‌ای است که ترامپ اکنون به آن رسیده و حتی جرات ترسیم مختصات دقیق آن را ندارد. به عبارت گویاتر، هر اندازه زرمه‌های رسانه‌ها، استراتژیست‌ها، تحلیلگران، سیاستمداران مخالف و حتی سیاستمداران همسوی ترامپ در خصوص شکستش در جنگ علیه ایران بلندتر می‌شود، به همان میزان وحشت او از پذیرش رسمی شکست در برابر تهران بیشتر می‌شود. رئیس‌جمهور قمارباز، متوهم و متوحش آمریکای اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین قمار زندگی خود را باخته و مشاهده نشانه‌های مرگ تدریجی‌اش در این قمار، هرگز برایش آسان نیست!

موجودات شروری مانند ترامپ و نتانیاهو وقتی به پایان خط می‌رسند، نه صرفاً از خود شکست، بلکه از «به رسمیت شناختن و پذیرش شکست» می‌ترسند.

ادامه در صفحه ۲

گزارش رسانه‌های آمریکایی درباره ارتباط حملات ایران به پایگاه‌های لجستیکی آمریکا در منطقه با بحران اخیر ناو آبراهام لینکلن

دریازدگی



صفحه ۲

لزوم تحول در گفتمان و رویکرد دستگاه دیپلماسی ایران در شرایط نبرد

دیپلماسی در میدان جنگ

است. در این موقعیت امنیت یک کشور را نمی‌توان به مراتب سنگین‌تر از خود تغییر بر جامی‌گذار. وزارت امور خارجه اکنون در برابر چنین ضرورتی ایستاده است. دستگاه دیپلماسی در شرایط عادی می‌تواند با اهنگی کندتر، زبانی حقوقی‌تر و محاسباتی تدریجی‌تر حرکت کند اما در شرایط جنگ و دوران گذار، سیاست خارجی باید بخشی از سازوکار تولید قدرت ملی شود. با این نگاه، آنچه در برابر وزارت امور خارجه قرار دارد، لزوم بازاندیشی در فلسفه عمل این نهاد است. متن پیش رو تاملی دارد بر اضلاع اصلی این تحول و بازنگری که به عنوان ضرورت تاریخی پیش روی ما قرار گرفته است.

■ رئالیسم به جای ایده‌آلیسم

نخستین تغییر باید در سطح گفتمان سیاست خارجی رخ دهد. ایران امروز بیش از خوش‌بینی به نظم بین‌المللی، به درکی سخت‌گیرانه‌تر از منطق قدرت نیازمند است. نقطه آغاز واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل این فرض است که در نظام جهانی، مرجع نهایی و بی‌طرفی وجود ندارد که امنیت دولت‌ها را در همه شرایط تضمین کند. قواعد، نهادها، معاهدات و سازمان‌های بین‌المللی اهمیت دارند اما قدرت‌شان مطلق نیست، به‌خصوص زمانی که یکی از طرف‌های ماجرا البرق‌دترها هستند و بیش از آن به‌خصوص وقتی دیگر نظم قبل توان حل و فصل چالش‌ها را در دست داده و جهان وارد دوران گذار و تحول شده

به محض تغییر محاسبات همه توافقات پیشین نقض می‌شود، کما اینکه پیش از این نیز چنین شد؛ نمونه روشن آن را می‌توان در رفتار آمریکای ترامپ و آمریکای بایدن در برجام مشاهده کرد. در گذشته دور و در دوره دیگری از دوران گذار جهان نیز ماجرا از همین‌جا قرار بود. در آغاز قرن نوزدهم، در بحبوحه جنگ ایران و روسیه، سلطنت قاجار برای یافتن قدرت از طریق ایستادن در نقطه تعادل در مناسبات جهانی، به فرانسه ناپلئون نزدیک شد. پیمان فین‌کنشتاین در مه ۱۸۰۷ میان ایران و فرانسه بسته شد و ناپلئون وعده حمایت از ایران و باری در برابر روسیه را داد اما تنها چند ماه بعد، فرانسه و روسیه در تیلسیت به تفاهم رسیدند و بخش اصلی منطق آن توافق عملا از میان رفت.

اهمیت این تجربه در شباهت ظاهری موقعیت‌ها نیست، بلکه در منطق سیاست قدرت نهفته است. کشوری که ظرفیت مستقل کافی نیافریند، ممکن است چنین بپندارد که جزئی از یک موازنه بزرگ‌تر است؛ حال آنکه در لحظه تغییر معادلات، از جایگاه بازیگر به جایگاه موضوع معامله سقوط می‌کند.

ای کاش تجربه فین‌کنشتاین در برجام تبدیل به آگاهی تاریخی می‌شد که نشد و امروز درسی که از این ۲ تجربه به عنوان آگاهی تاریخی باید گرفته شود، ضرورت خودیاری است. خودیاری به معنای

انزو نیست، درست برعکس، به معنای برقراری روابط خارجی به شیوه‌ای است که تغییر موضع یا خروج یک قدرت از توافق نتواند امنیت، اقتصاد یا قدرت چانه‌زنی کشور را به طور بنیادین مختل کند. چنین رویکردی مستلزم تنوع‌بخشی به طرف‌های تعاملات وزارت امور خارجه، توسعه روابط با همسایگان، ایجاد وابستگی‌های متقابل سودآور، گسترش مسیرهای تجاری جایگزین و افزایش وزن اقتصادی و سیاسی ایران در منطقه است.

از این منظر، آنچه ایران به آن نیاز دارد، واقع‌گرایی است، البته نه واقع‌گرایی انفعالی، بلکه واقع‌گرایی فعال و قدرت‌ساز. واقع‌گرایی منفعل محدودیت‌ها را می‌بیند و در برابرشان عقب می‌نشیند اما واقع‌گرایی فعال همان محدودیت‌ها را می‌شناسد تا برای تغییر موازنه برنامه بریزد. درک بنیادین دستگاه سیاست خارجی باید از ایده‌آلیسم کانتی تغییر یابد و به واقع‌گرایی فعال رهنمون شود. وزارت امور خارجه باید بپذیرد نهادهای بین‌المللی برای تضمین امنیت ایران اساسا ناتوانند. این وزارتخانه باید به نهادهای بدل شود که خود ابتکار می‌آفریند، ائتلاف‌های موضوعی می‌سازد، شکاف منافع میان رقبا را می‌شناسد و برای کشورهای گوناگون منفعتی مشخص از همکاری با ایران تعریف می‌کند.

ادامه در صفحه ۲



021-92 00 00 00
www.respina.net

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رَسپینا

